روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه

وزیر انطباعات در اواخر دورهٔ ناصری

مربوط به سال های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری

از روی یگانه نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ آستان قدس

با مقدمه و فهارس از

ایرج افشار

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۸۹

WWW.ATHAREBARTAR.COM

بسمه تعالی

مقدمه ناشر

تداوم تأثیر تحولات دورهٔ قاجار در تاریخ معاصر ایران، به‌دلیل قرب زمانی و بهم پیوستگی نزدیک این دو دوره باعث شده است تا محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی، برای مطالعه این دورهٔ حساس و مهمّ تاریخ کشور ما اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شوند. تعدد و تنوع آثار منتشره دربارهٔ تاریخ قاجاریه و نیز استمرار چاپ این آثار، یکی از دلایلی است که شدت علاقهٔ مذکور و اهمیت یادشده را منعکس می‌کند. بسیاری از محققان تاریخ معاصر ایران به‌درستی عقیده دارند که بسیاری از مسائل عهد قاجاریه و باورهای اجتماعی، آداب و رسوم و سنن سیاسی و ملی آن عهد همچنان در شرایط کنونی استمرار دارند، و بنابراین شناخت جامعهٔ کنونی مستلزم شناخت پیشینه‌ای است که بخش مهمّی از هویت کلی آن زنده است و هنوز در بستر جامعهٔ کنونی جریان دارد. شاید یکی از مهمترین دلایل اقبال وسیع و چشمگیر اصحاب سیاست و تاریخ به مطالعه و پژوهش در تاریخ قاجاریه نیز همین پیوستگی تاریخ معاصر ایران با دورهٔ قاجاریه و تداوم بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن دوره در شرایط کنونی است.

در کنار آثار و منابع تاریخی بسیاری که تاکنون دربارهٔ تحولات ایران در دورهٔ قاجاریه انتشار یافته و هنوز نیز در حال انتشار است و همین معنی همچنان پروندهٔ تاریخی عهد قاجار را گشوده نگه‌می‌دارد. برخی از این آثار و منابع به دلیل آنکه مؤرخان آنان خود شاهد و نظاره‌گر نزدیک وقایع بوده‌اند و از درون به حکومت قاجار می‌نگریسته‌اند، نه از بیرون ــ تا درنتیجه مسموعات خود را بنگارند و نه مشهودات خود را ــ دارای اهمیت فوق‌العاده بیشتری هستند. همین خصیصه سبب شده است تا این دسته از منابع تاریخ عهد قاجار موردتوجه و حسن استقبال فزونتر قرارگیرد. کتاب حاضر، یعنی روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه نوشتهٔ اعتمادالسلطنه، یکی از همین منابع عمدهٔ عهد قاجاریه است. اعتمادالسلطنه که روزنامهٔ خویش را نه برای تقدیم به ناصرالدین شاه و یا گذراندن ازنظر او، بلکه مخفیانه می‌نگاشته است، یکی به‌دلیل آنکه خود شاهد و ناظر بسیاری از وقایع بوده و نه شنوندهٔ آنها و دیگر به‌دلیل مخفی‌داشتن کار خویش، طبیعتاً گزارشی در حدّ ممکن دقیق و پیراسته از پرده‌پوشیهای گستردهٔ مورخان رسمی دربار و آلوده به رعایت جانب این و آن و یا مداحیهای

WWW.ATHAREBARTAR.COM

تعمّدی ارائه داده است. علاوه بر این، چون اعتمادالسلطنه وقایع روزنامه را می‌نوشته و قصد پرداختن به حوادث سیاسی محض را نداشته است، بنابراین در اثر خویش تصویری از مسائل اجتماعی عصر خویش را نیز ارائه داده که بر اهمیت کتاب بیشتر می‌افزاید.

ارزش کتاب حاضر و اهمیت آن، البته تنها به موارد ذکر شده نیست؛ این کتاب از ابعاد گوناگون دیگری نیز دارای اهمیت است که مواردی از آن در مقدمه‌های متعدد کتاب آمده است و پرداختن به این معنی نیز فرصت و حوصلهٔ بیشتری می‌خواهد. هدف از این اشاره این بود که علت توجه خوانندهٔ ایرانی به روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه، تا حدّی روشن شود و در کنار آن نیز انگیزهٔ ناشر برای ارائهٔ چهارمین چاپ کتاب معلوم گردد. ناگفته بر خواننده معلوم است که ذکر اهمیت کتاب حاضر به‌معنی این نیست که این اثر کاملاً از خطا و اشتباه تهی است و نویسندهٔ آن فردی کاملاً عاری از تعلقات شخصی و حساسیتهای خاصی بوده است اعتمادالسلطنه، چنانکه خواننده از مطالعهٔ زندگی او در می‌یابد، درهرحال یکی از رجال مهمّ دورهٔ ناصری بود و از خصایص عمومی رجال این دوره منفعت طلبیها، جهالتها و غرض‌ورزیها و دسته‌بندیها و بعضاً وابستگی به بیگانه می‌باشد که موجب ضرر و زیانهای جبران‌ناپذیری به‌ایران‌زمین شده است. به‌همین جهت بدیهی است که باید با اثر وی نیز به‌مانند کلیهٔ آثار تاریخی با ذهنی نقّاد برخورد کرد و گزارشهای او را با دیگر گزارشها محک زد و موردسنجش و ارزیابی قرارداد، تا در پرتو آن نقادی و این سنجش، امکان حصول به حقیقت فراهم شود؛ ان‌شاءاللّه.

ناشر

WWW.ATHAREBARTAR.COM

یادداشتی بر چاپ دوم

روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه پس‌از اینکه بطورکامل به چاپ رسید مورد اقبال بسیار واقع شد و سالی سه نکشید که نسخ منتشرشدهٔ آن تمام‌شد. مقداری ازآن بطور انتخاب وتلخیص در دوسه مجله وروزنامه نقل شد و تنی‌چند از مردان دقیق و علاقه‌مند و فاضل به نقد و اصلاح اشتباهات چاپی و سهوهایی‌که از دست من درکتاب حاصل شده بود پرداختند و بی‌هیچ شائبه وپرده‌پوشی برمن منت‌گذاردند و مرا رهین سپاس خودکردند و وسیله شدندکه مقداری ازآن عیوب در چاپ حاضر رفع شود و بااینکه تذکارات آنان در چاپ کنونی ملحوظ‌نظر واقع شده است چند تا از آن مقاله‌ها عیناً در انتهای مقدمهٔ کتاب تجدید چاپ شد تا حق هریك بجای خویش محفوظ بماند.

در چاپ کنونی، مقداری از اشتباهات از روی نسخهٔ آقای مجتبی مینوی اصلاح شد. ایشان چنانکه مرسومشان است حین مطالعهٔ کتاب (که مثل هرکتابی به‌دقت تمام و نکته‌بینی دانشمندانه آن را به خواندن‌گرفته بوده‌اند) اغلاط را تصحیح‌کرده و توضیحاتی مرقوم داشته‌اند که همه مفید و قابل نقل است. ولی‌چون تجدید چاپ به‌صورت افست عملی‌شده است فقط مقداری از اشتباهات‌که خود به اصلاح آنها توفیق نیافته بودم رفع شد و باید آرزومند باشیم که در چاپ دیگر کتاب آن فواید دیگر را به‌کارگیرم. بهر تقدیر ازایشان سپاسگزارم که اجازهٔ استفاده از نسخهٔ اصلاح شدهٔ خود را بمن دادند.

همچنین امتنان خودرا از جنابان آقایان اللهیار صالح و عبدالله انتظام اظهار می‌کنم‌که چند مورد مهم را پیش از دیگران یادآوری فرمودند.

ایرج افشار

تهران، بیست‌وهشتم آبان ۱۳۵۰

WWW.ATHAREBARTAR.COM

WWW.ATHAREBARTAR.COM

مقدمهٔ تجدیدنظر شده

یادداشتهای خواندنی و پرفایده‌ای که درین مجلد پرحجم در دسترس محققان تاریخ و نیز علاقه‌مندان به‌اخبار ایران در دورهٔ قاجاری قرار می‌گیرد از آثار مفید محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنهٔ بعدی) و از اسناد فوق‌العاده بااهمیت عصر او و بی‌تردید از مآخذ مستندی است که اخبار مربوط به حوادث پانزده سال از دوران پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار و گوشه‌هائی از احوال و اخلاق و روش مملکت‌داری و آداب مخصوص دستگاه سلطنت او را پس‌از گذشتن هشتاد سال در اختیار ما می‌گذارد. با پژوهش و بررسی درین یادداشتها اطلاعات تازه و نکات باریك از وقایع مهم دورانی که منجر به‌قتل‌ناصرالدین‌شاه و دمیدن نسیم مشروطه‌خواهی ایران شد، نظیرواقعهٔ رژی و انحصار تنباکو، عزل ظل‌السلطان، صدارت مستبدانهٔ امین‌السلطان، دخالتهای روس و انگلیس می‌توان استخراج کرد که در مآخذ قدیم دیگر و تحقیقات معاصران دیده نمی‌شود.

ناصرالدین‌شاه قاجار مدت چهل‌ونه سال سلطنت کرد و از سلاطینی است که ایام سلطنتش با حوادث سخت داخلی مواجه نبود. اگرچه به هنگام نشستن برتخت، پادشاهی نوجوان بود مدت درازی نکشید که مستبدانه زمام امور مملکت را در کف اقتدار ذات خویش گرفت و به آرامی تمام سلطنت کرد وعاقبت نزدیك به‌زمانی که مراسم جشن پنجاهمین‌سال پادشاهی خودراآماده می‌کرد براثر تیری که از فشار شست میرزا رضای کرمانی ماهرانه برقلبش نشست کشته شد.

در دوران سلطنت وی، مردم ایران به سبب رفت‌وآمدی که با فرنگ پیدا شده بود و جرایدی که در ممالك اطراف نشر می‌شد و به ایران هم می‌رسید آرام‌آرام با افکار جدید و تمدن غربی و مهمتر ازهمه حقوق‌سیاسی‌آشنا شدند. درقبال اعمال‌حکومت حالت‌مقاومتی درآنها ایجاد می‌شد که شاهد بارز و نمونهٔ روشن ازآن در واقعهٔ انحصار تنباکو بصورتی عمومی و تقریباً در سراسر مملکت دیده شد.

* * *

تاریخ کشور ما براساس منابع مسلم مدون شده است کمتر از دوهزاروپانصد سال نیست و ازین مقدار ناصرالدین‌شاه نزدیك به پنجاه سال سلطنت کرد پس یك‌پنجاهم از عمر ملت ما در عهد پادشاهی او سپری شده است. ناگزیر این صحایف که اخبار پانزده سال از سلطنت او را در بر دارد از نظر باریك‌بین اهل تحقیق واجد اهمیت خاص است و طبعاً شایستگی دارد که انتشاریابد و پژوهندگان تاریخ درآن دقیق شوند.

این یادداشتها محتوی برفواید تاریخی بسیارست که اهم آن فواید را در نکات زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱ـ شناختن ناصرالدین‌شاه و طرز زندگی روزانه و اخلاق شخصی و آداب دربار سلطنتی او.

۲ـ کیفیت ادارهٔ امور دیوانی و مالی و ترتیب عزل ونصب حکام و بی‌پولی عادی خزانهٔ مملکت.

۳ـ آشنا شدن براخلاق و روحیات میرزاعلی‌اصغرخان امین‌السلطان و قدرت اداره و نحوهٔ تدابیر و سیاست او در امور مختلف مملکت‌داری.

۴ـ کسب اطلاعات سودمند درباب زندگی مؤلف وکارهای ادبی و علمی او و روابطش بارجال مملکت علی‌الخصوص امین‌السلطان، یحیی‌خان مشیرالدوله، میرزاعلی‌خان امین‌الدوله و دیگران.

۵ـ وقوف برکیفیات احوال و اطوار شخصی عده‌ای از رجال و شاهزادگان وکسب اطلاعاتی

WWW.ATHAREBARTAR.COM

که در کتب دیگر نیست بخصوص در باب عزیزالسلطان و عملهٔ خلوت آن عصر.

۶ـ اطلاع بر جزئیات امور مربوط به‌وقایع‌مهمی نظیرواقعهٔ انحصارتنباکو، عزل‌ظل‌السلطان، اخذ قرض از روسیه، تنزل ارزش پول و عیار مسکوکات.

۷ـ آشناشدن برموارد متعدد مربوط به ورود مظاهرتمدن فرنگ و نحوهٔ برخورد ایرانیان باآثار آن.

۸ـ شرح جزئیات سفرهای ناصرالدین‌شاه اعم از سفر خارج و سفر به شهرهای ایران و سفرهای تفریحی ییلاقی.

۹ـ اخذ اطلاعات تاریخی راجع به شهرها و بقاع و امکنهٔ قدیمی.

۱۰ـ دست‌یافتن برمتن عده‌ای از دستخط‌های ناصرالدین‌شاه.

* * *

این روزنامه آئینهٔ تمام‌نمای وضع سیاسی و اجتماعی ایران در هفتاد سال پیش است. به ما می‌نماید که درین مدت چه تغییرات سریعی پیش‌آمده است؟ دگرگونی روحی وشکلی مملکت و ملت ایران به چه میزان است. نشان می‌دهد که اگر بعضی از آداب قدیمی و سنن ملی را از دست داده‌ایم ولی ازحیث امنیت وآسایش عمومی، وضع قوانین، بسط دامنهٔ تعلیم عمومی، آبادانی شهرها و ایجاد راهها پیشرفتهای نمایان حاصل شده است. بیان‌کنندهٔ عللی است که ایران به جانب حکومت‌مشروطه سوق داده شده و ازحیث سیاست خارجی از وضع سخت وناگوار به‌درآمده و مبانی سیاسی و طرز حکومت برموازین قانونی و حکومت پارلمانی قرارگرفته است.

جای افسوس‌است که نویسندهٔ این یادداشتها خودرا از اغراض خصوصی، چنان‌که باید نمی‌توانسته است دور نگاه دارد. همانطور که شهرت دارد (و درآثارش‌نیز دیده شده است) درین نوشته‌ها گاه‌به‌گاه از مرحلهٔ انصاف خارج شده و طغیان قلم براو روی‌آورده است. مسموعات و شایعات راکه احتمالا دور ازحقیقت بوده است صحیح دانسته و درین خاطرات واردکرده است. معهذا مورخ روشن‌بین و محقق نکته‌یاب باقلم نقد و دید دقیق صحیح را از سقیم و حقیقت را از غرض درین اوراق جدا خواهد ساخت وازمیان این گنجینهٔ مهم آنچه را درست ومطابق با واقع بیابد درتحقیقات خود به‌کار خواهدگرفت.

به‌گمانم براعتمادالسلطنه جای خرده‌گیری نیست. غالب کسانی‌که از دوران قاجار خاطرات نوشته‌اند عنان قلم را رهاکرده‌اند و نتوانسته‌اند که خود را از امیال شخصی و اغراض نفسانی بر کنار نگاه دارند. نظری به‌خاطرات امین‌الدوله وکتاب ظل‌السلطان (سرگذشت مسعودی) این‌مطلب را کاملا تأیید می‌کند. بااینکه امین‌الدوله به‌اصطلاح امروز مرد موفقی بود و به‌مقام صدارت رسید و بینش‌و دیدی‌آزادی‌طلبانه داشت و ازخط و ربط خوب و ذوق ادبی سرشار برخوردار بود مع‌هذا درکتاب خود پا را از جادهٔ انصاف فراترگذاشته، حتی‌کلمات غیرمؤدبانه به‌کار برده و بربسیاری از همروزگاران خود «ستم ظریفی»کرده است. دیگر براعتمادالسلطنه چه‌خرده‌ای است‌که در خاطرات شخصی براثر حالات عصبی و ناگواری وضع شخصی خودگاهی از ادب مرسوم زمان دور شود و احیاناً جانب عفت عمومی را رعایت نکند یا مطالبی راکه نمیتوان برحقیقت آنها قسم خورد درخلال یادداشتهای خود بیاورد. ظاهراً سبب این امر آن است‌که برای او درحدی‌که استعداد ذاتی و قابلیت علمی داشت مجال ترقی پیدا نشد ونتوانست به‌مقاماتی از نوع سفارت و حتی صدارت که داعیه‌داری آن را داشت برسد.

فایدهٔ عظیمی‌که برنشراین‌یادداشتها مترتب خواهد بود این‌است‌که اگرخاطرات‌عباس‌میرزای ملک‌آراء، ظل‌السلطان، امین‌الدوله، محمدولی‌خان سپهسالار، دوستعلی‌خان معیرالممالک، عبدالله مستوفی، حاجی مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه بایکدیگر مقایسه شود نکته‌های نادرست و مطالبی‌که به‌دروغ یا از راه خودستائی به‌خود بسته‌اند شناخته خواهد شد وکار تحقیق به‌صورتی‌آسان و بر مبنائی صحیح پیش خواهد رفت.

WWW.ATHAREBARTAR.COM

مقصودآنکه نویسندهٔ این سطور نمی‌تواند مدافع صحت خاطرات صنیع‌الدوله باشد. نه بااو خویش است وهواخواه او، ونه بداندیش نسبت‌بدو. صنیع‌الدوله بی‌تردید از رجال مؤثرعصرناصری در رواج معرفت‌خواهی و نشر کتب سودمند محسوب می‌شود. شك نمیتوان داشت که ازین حیث در آن عهد فرد اول و مرد شاخص بود. نهضت اساسی نشر وطبع کتاب به علاقهٔ وافر و پشتکار کم‌مانند او در ایران صورت جدید و جدی پذیرفت.

* * *

اعتمادالسلطنه از نزدیکان شاه بود. کمتر روزی بود که به‌حضور شاه نرود و مدت درازی با او نباشد. در سفرها همسفر و درحضر وخلوت همنشین شاه بود و طبعاً می‌توان او را از محارم شاه دانست. هرشب پس‌از اینکه از حضور شاه به منزل می‌آمد به‌نوشتن شرح وقایع روز می‌پرداخت و بقول خودش احدی ازآن خبرنداشت (ص ۴۱). تنها کسی که از تحریر این خاطرات باخبر بود عیال او بود که گاهی به‌علت کسالت یا خستگی شوهر محرر روزنامه بود (ص ۲۴۰). بنابر اشارهٔ صنیع‌الدوله ظاهراً ناصرالدین‌شاه‌هم بوئی برده بوده است که صنیع‌الدوله «روزنامه» می‌نویسد. در صفحهٔ ۱۱۹ می‌گوید: «فرمودند در تاریخ خودت ثبت کن. باین پادشاه مگر الهام شده است که من تاریخ می‌نویسم، والا ازکجا خبردارد؟» عیال صنیع‌الدوله یك دورهٔ تقریباً کامل ازین خاطرات به خط خود نوشته بوده است که اکنون درکتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد موجودست ویگانه نسخه‌ای است که ظاهراً ازین یادداشتها در دسترس است و طبع حاضرهم از روی‌آنها فراهم شده است.

روزنامهٔ اعتمادالسلطنه را به‌دو بخش باید تقسیم کرد. یك قسمت مربوط است به ۲۹ جمادی‌الاولی ۱۲۹۲ الی ۱۹ محرم ۱۲۹۳ که در یك مجلد نوشته شده است و دنباله ندارد. اما قسمت دیگر یادداشتهای مربوط به ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ تا ۱۴ شوال ۱۳۱۳ (پنج روز قبل‌از فوت) اوست. آنچه معلوم نیست این است که آیا درفاصلهٔ سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۸ هم روزنامهٔ مرسوم را می‌نوشته است یا اینکه درین‌مدت ترك شده بوده است.

تقریباً دوره‌های یادداشتها به خط اشرف‌السلطنه عیال مؤلف است، مگر خاطرات مربوط به ۱۰ رمضان ۱۳۱۰ ببعد که به خط خود اعتمادالسلطنه موجودست.

مجلدات روزنامه سالها دراختیار اشرف‌السلطنه بود. چون فوت کرد بنابر وصیتش به کتابخانهٔ آستان قدس سپرده شد. مرحوم یمن‌السلطنه که برادرزادهٔ این خانم بود شرح مطلب را در ابتدای جلد اول آن تحریر کرده است که عیناً اینجا نقل می‌شود.

«مرحوم محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) مترجم حضور همایون و رئیس دارالترجمهٔ مخصوص و وزیر انطباعات یکی از رجال معروف دانشمند عصر ناصرالدین‌شاه است که آثار قلمی او ازقبیل مجلدات مرآةالبلدان و مطلع‌الشمس و منتظم ناصری و ترجمهٔ خانم انگلیسی و ترجمهٔ مادمازل مون‌پانسیه و تاریخ اشکانیان و غیره برمراتب فضلش گواهی صادق‌اند.

شرح‌حال اعتمادالسلطنه را جرائد و مورخین عصر مفصلا نوشته‌اند. اجمالا آنکه ابتدای تأسیس در دارالفنون طهران داخل آن مدرسه گشته سپس درعهد سلطنت ناپلئون سیم برای تحصیل به پاریس سفر نموده و در ادبیات زبان فرانسه متخصص گردیده شعبهٔ تاریخ و جغرافیا را تکمیل نموده است. درانجمن‌های‌علمی اروپا از قبیل انجمن آسیائی لندن و مجامع تاریخی و جغرافیائی روسیه و فرانسه عضویت داشته. یکی از آثار آن مرحوم چهارده جلد وقایع یومیهٔ خود است که هرروز مسوده نموده و مرحومهٔ شاهزاده‌خانم عرب ملك خانم اشرف‌السلطنه صبیهٔ مرحوم مغفور امامقلی‌میرزا عمادالدوله زوجهٔ ایشان و عمهٔ نگارندهٔ این سطور آنها را بدین‌طریق که ملاحظه میشود پاك‌نویس می‌نموده محفوظ نگاه میداشتند. پس‌از فوت اعتمادالسلطنه ناصرالدین‌شاه

WWW.ATHAREBARTAR.COM

آن کتابها را با پاره‌ای سکه‌های قدیم و قدری وجه نقد ضبط کرد. ولی مرحوم اشرف‌السلطنه در سال هفتم سلطنت مظفرالدین‌شاه انها را استدعا نموده داخل کتابخانهٔ خود نمود و ضمناً وصیت کردند که کتب ایشان تقدیم کتابخانهٔ مبارکهٔ آستان قدس رضوی ارواحنا فداه گردد. بدین جهت آن مجلدات سوای نسخه که از سابق در نزد بنده بود جزو کتابخانهٔ مبارکهٔ حضرتی گردید. این بنده منتظر بودم که بوسیله‌ای این نسخه راهم تقدیم نموده دورهٔ آن کتب را تکمیل نمایم.

اینك که جناب مستطاب دانشمند اجل آقای میرزامحمد دانش نمایندهٔ محترم خراسان به تهران تشریف آورده‌اند بوسیلهٔ ایشان ارسال خراسان میکنم. امید است که فاضل معظم چنانکه درنظر دارند به نشر وطبع تمام مجلدات اقدام فرمایند.

اعتمادالسلطنه پس از ۶۴ سال زندگانی درتهران به مرض سکته درسیزدهم عید نوروز سال ۱۳۱۳ داعی حق را لبیك اجابت گفت، رحمةالله‌علیه. عکسی که ازجوانی ایشان و تقریباً سال نوشتن این کتاب انداخته بدین مختصر الصاق گردید.

اعتمادالسلطنه ادبیات عرب و ایرانی را خوب نمیدانست لا کن اغلب کتب آنها را که بزبان فرانسه ترجمه شده بود جمع کرده از آنها کاملا استفاده می‌کرد.اعتماد‌السلطنه طالب اصلاح و انقلاب بود و خیلی طرح‌های قانونی برای ممیزی عملی و دخانیات و تمبر معاملات و توسعهٔ امور جرائد پیشنهاد کرد، ولی بواسطهٔ مخالفت صدور و دیگر درباریان صورت نگرفت.

شرح‌حال مرحوم اعتمادالسلطنه و مغفور اشرف‌السلطنه برحسب تقریر کمترین فرزند ابوالقاسم‌میرزا حفظ‌الله تعالی تحریر نمود، العبد سلطان احمد دولتشاهی یمن‌الدوله، طهران سنهٔ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱.

اشرف‌السلطنه ـ مرحوم شاهزاده عزت ملك خانم ملقبه به اشرف‌السلطنه صبیهٔ مرحوم عمادالدوله امامقلی میرزا ابن محمدعلی‌میرزا دولتشاه ابن فتحعلیشاه قاجار است که در زمان حکمرانی پدرش در کرمانشاهان متولد گردیده و در جوانی به اعتماد‌السلطنه که آن وقت حسن‌خان پیشخدمت شاه بود شوهر کرده به تهران آمد. چون اولاد نداشت عمر خود را بیشتر به مطالعه کتب می‌گذرانید. بتاریخ وطب خیلی مایل بود. به‌علت حشر بااعتمادالسلطنه از سیاست دربار ایران و اتفاقات مملکت و روابط با خارجه خوب مطلع بود. درهنرهای زنانه وکارهای خانه از طباخی و خیاطی و قنادی و کاموادوزی و دیگر بافندگیها استاد و مخصوصاً صاحب‌سلیقه وتصرف بود. درحرم‌خانهٔ ناصرالدین‌شاه و درخدمت شاه گستاخ بود. زبان فرانسه را قدری نزد شوهرش آموخته بود. به شعر میل نداشت. به ساز و آواز مطلقاً مایل نبود. ولی شطرنج و نرد را خوب بازی می‌کرد. عکس‌های قشنگ برمیداشت. عکاسی نزد مرحوم شاهزاده سلطان محمدمیرزا والدکمترین آموخته بودند. دومرتبه به عتبات عالیات مشرف گردیده در اواخر عمر از راه اسلامبول معظمه مشرف شده و جمعی را همراه برده قریب دوهزار تومان خرج کرده.

پس از فوت مرحوم‌اعتمادالسلطنه به‌مرحوم آقای سیدحسین عرب نایب‌التولیه که عمه‌زاده‌اش بود شوهر نمود. مجاور به مشهد مقدس شد. قریهٔ میامی نزدیك مشهد ملکی خود را که غیراز میامی معروف است برخیرات و مبرات وقف مؤبد نمود. خلاصه زنی بود مردانه که از تمامیت صفات و حالات صوری ومعنوی بربسیاری از زنان وهمسران خود ترجیح داشت. در سن ۵۳ در مشهد مقدس در سنهٔ ۱۳۳۳ هجری فوت نمود. در دارالسیاده مدفون است، یمن‌الدوله ـ مشهد.

WWW.ATHAREBARTAR.COM

* * *

بعدها از جانب سخنور پاکدل آقای محمود فرخ شاعر نامدار خراسان برانتساخ نسختی از دورهٔ این کتاب برای خانم لمبتون ایرانشناس انگلیسی دستور می‌رود و نسخه‌ای‌هم برای کتابخانهٔ خود فراهم می‌کند. چون از آمادگی نویسندهٔ این سطور برطبع آن اطلاع حاصل فرمود، بنابر شیوهٔ پسندیده و گشاده‌دستی جبلی تمام دفاتر رونوشت شده دراختیار من گذاشته شد که پس‌از مقابلهٔ بدوی باعکس نسخه و نقطه‌گذاری درحروف چینی مفید واقع افتاد. و اگر چنین نسخه‌ای آماده نبود طبعاً کاری بدین‌سنگینی در سنواتی معدود به‌اتمام نمی‌رسید. اما در غلط‌گیری ازعکس نسخه‌ای استفاده کردم که کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهیه کرده است.

* * *

تدوین فهرست اعلام ولغات کتاب کاری بسیارگران بود. هرصفحهٔ این کتاب پراز اسم است. اما چون نقل همه اسماء خالی از فایده بود در استخراج اعلام فقط اسمهایی نقل شدکه مطلبی مفید و اساسی دربارهٔ صاحب آن نام درآن صفحه مندرج بود، و طبعاً اگر نام کسی یا جائی بدون هیچ مطلب و نکته‌ای آمده است (مانند آنکه فلان شخص را دیدم، یا فلان شخص آمد و فلان‌جا رفتم) از ذکر شمارهٔ صفحات در چنین موارد خودداری شد. دشواری کار در تنظیم فهرست این کتاب تعدد القاب یك شخص و وحدت یك لقب در افراد مختلف است. ناگزیر نام عده‌ای در چند لقب نقل گردید، ولی به‌تناسب تاریخ از یك لقب به لقب بعدی و بالعکس ارجاع داده شد. امیدوارم که درین کار کمتر اشتباه و سهو برمن روی آورده باشد. اگر خوانندگان به‌چنین مواردی برخوردند استدعای مؤکد دارم که یادآوری فرمایند.

درین فهرست برای سهولت مراجعه و اطلاع فوری برمطلبی که در هرصفحه مندرج است به موضوع خاص مربوط به‌آن شخص موردنظر (عزل ونصب و خلعت و فوت وجزاینها) اشاره شده است تا پژوهندگان این کتاب آسان‌تر و زودتر برمطالب دسترسی یابند.

* * *

اگرچه این روزنامه شهرت بسیار داشت اما بطورکامل چاپ نشده بود. فقط منتخب سه‌سال آن (سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۱) بنام «وقایع یومیه یا یادداشتهای اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات دربار ناصرالدین‌شاه» حدود بیست سال پیش توسط کتابفروشی ابن‌سینا انتشار یافت و معروف بودکه این اوراق را مرحوم داور هم به‌طبع رسانیده بود ولی منتشر نشد. همچنین بعضی از قسمتهای آن در روزنامهٔ هفتگی «صبا» حدود سالهای ۱۳۲۲/۳ به چاپ رسید. در معرفی اجمالی آن‌هم مقاله‌ای بقلم فاضل ارجمند آقای تقی‌بینش در «نامهٔ آستان قدس» شماره‌های ۱۷ و۱۸ (۱۳۴۲) منتشر شده است که ضمن آن چند قطعه از کتاب را هم نقل کرده‌اند.

ترجمهٔ احوال مؤلف را آقای خان‌ملك ساسانی در جلد اول «سیاستگران عصر قاجار» (تهران، ۱۳۳۸) مرقوم داشته‌اند.

* * *

درچاپ کتاب بیشتر رسم‌الخط متعارف کنونی به کار رفت. یعنی «برخاستم» و « خواندن»، «الی» و «ناهار» (مگر درصفحات ابتدای کتاب) و «ذرع» چاپ شد، نه «برخواستم» و «الا» «خاندن» و «نهار» و «زرع». اغلاط مهم که ناشی ازکم‌سوادی عیال اعتمادالسلطنه بوده است درمتن بصورت صحیح چاپ و درحاشیهٔ صفحات به‌اصل آنها اشاره شد و هرتصرف دیگری‌هم یادآوری گردید. آنچه موجب تأسف است این‌است که به‌مناسبت ریزی حروف گاه‌به‌گاه اغلاط مطبعی پیدا شده است و مواضعی که مربوط به‌القاب و نام اشخاص است بسیارگمراه کننده واقع می‌شود. امیدوارم درچاپ دیگر کتاب رفع این عیب بشود.

WWW.ATHAREBARTAR.COM

* * *

در انتخاب عکسهایی که برای مصورشدن کتاب در انتها چاپ کرده‌ام کوشش شده است که درجای دیگرچاپ نشده باشد. امیدوارم چنین توفیقی به‌دست آمده باشد. این عکس‌ها مربوط است به مجموعهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه که از روی آلبومهای ادارهٔ بیوتات سلطنتی تهیه شده است.

تصویری که‌از صنیع‌الدوله توسط ناصرالدین‌شاه درسال ۱۲۹۵ نقاشی و درصفحهٔ‌بعد چاپ شده است متعلق به‌آقای دکتر محمد مقدم استاد دانشگاه تهران است که از راه لطف دراختیار من گذاشتند.

ایرج افشار

تهران، چهاردهم خرداد ۱۳۴۵

توضیحی جدید

پس‌از چاپ اول این کتاب اطلاعاتی که دربارهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه نشر شده عبارت است از:

۱ـ سلسله مقالاتی که آقای محمودکتیرائی اعتمادالسلطنه نوشت (و قسمتی مستقیماً براساس روزنامهٔ خاطرات‌است) ودر مجلات تهران نشر شد و سپس آنهارا در انتهای کتاب خلسه‌مشهور به خوابنامه از آثار اعتمادالسلطنه به چاپ رسانید (تهران، ۱۳۴۸).

۲ـ آقای احمد گلچین معانی ضمن فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی (جلد ۷:۹ـ۱۰۲) مجلدات روزنامهٔ اعتمادالسلطنه را مجلد به مجلد توصیف کرده است.

۳ـ در تیرماه ۱۳۵۰ خاطرات سال ۱۳۰۰ اعتمادالسلطنه تحت‌عنوان «وقایع روزانهٔ دربار ناصرالدین‌شاه یا یادداشتهای اعتمادالسلطنه مربوط به‌سال ۱۳۰۰ هـ. ق.» بامقدمه آقای سیف‌الله وحیدنیا مدیر گرامی مجلهٔ وحید انتشار یافت (انتشارات وحید، ش ۲۹) که قبلاهم در مجلهٔ هفتگی وحید به‌تدریج چاپ شده بود. اگرچه در مقدمهٔ کتاب گفته شده است که «این یادداشتها از مجموعه‌ای استنساخ شده که اخیراً به تملك مجلس شورای ملی درآمده» طرز چاپ آن ازلحاظ نقطه‌گذاری مخصوصاً طرز استعمال علامت‌های سؤال و تعجب نشان می‌دهد که چاپ مذکور از روی چاپ ما از روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه انجام شده است و بهر حال وجود نسخهٔ مجلس اطلاعی است مفید.

۴ـ قسمتهایی از روزنامه، پس‌از انتشار آن، به‌تلخیص در مجلهٔ خواندنیها چاپ شده است.